

سلوکِ سرخ

نَدَهی کوتاه به فضیلت های اخلاقی شهدا

محدثه قبادی ش. مرتضی زاده نوری

انتشارات نجوای قلم

۱۳۹۵

سرشناسه: قبادی، محدثه، ۱۳۶۶ -
عنوان و نام پدیدآور: سلوک سرخ: نگاهی کوتاه به فضیلت‌های اخلاقی شهدا / محدثه قبادی، ش

مرتضی زاده نوری	تهران: نجوای قلم، ۱۳۹۵.
مشخصات نشر	۲۴۹ ص.
مشخصات ظاهری	978-600-96189-6-5
شابک	قیفا
وضعیت فهرست نویسی	جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- شهیدان -- خاطرات
موضوع	Iran-Iraq War, 1980-1988 -- Martyrs -- Diaries
موضوع	شهیدان -- ایران -- کرامت‌ها
موضوع	Martyrs -- Iran -- Karamat
موضوع	شهیدان -- ایران -- بازماندگان -- خاطرات
موضوع	Martyrs -- Iran -- Survivors -- Diaries
شماره افزوده	مرتضی زاده نوری، شعبان، ۱۳۵۹ -
رده یونسکو	۱۳۹۵ س ۸۲ ق/ DSR1۶۲۵
رده بندی دیو	۰۸۴۳۰۹۲۲/۹۵۵
شماره کتابسازی	۴۳۰۸۳۱۶



سازمان اسناد و کتابخانه ملی

تهران: انتهای یادگار امام - بیست و نهمی توکلی - پلاک ۲۱
تلفن: ۰۲۸۶۰۴۳ - ۰۹۱۳۸۰۹۹۰۳۱

مؤلفان: محدثه قبادی - ش. م. ن.

چاپ: اول

تیراژ: ۷۰۰

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۱۸۹-۶-۵

چاپ و صحافی: حق چاپ محفوظ و متعلق به ناشر است

نقدیم:

در زمان نگارش این اثر تمام سعی ما به پرداختن به منش و رفتار شهدا، این الگوهای بی بدیل هستی بود تا در زمانی که خیلی از خوبی ها و مردانگی ها رنگ باخته با یادآوری خاطرات این عزیزان، مسیر درست را در این همه گمراهی ها بیابیم. در طول زمان نگارش این اثر، من به عنوان فردی که با زندگی این عزیزان از نزدیک آشنا هستم، فکر می کردم اینگونه افراد اسطوره ای زمانی در کنار ما می زیستند و برای همیشه تمام شده اند و دوستان این عزیزان، جانبازانی هستند که همچون شمع در فراغ یاران در حال آتش زدن هستند. زمانی که این کتاب آماده چاپ شد من با مسئله شمع های خام رو برو شدم. انگار دوباره و دوباره زمان و آدمها تکرار می شدند و دوباره نگارنده از اسانهایی بودند که بوی منش حسین و همسرانی که بوی منش زینب، دختران پسرانی که رنگ و بوی رقیه و اکبر می دادند.

و چقدر سخت است از این عزیزان صحبت کردن...

و سخت تر اینکه بلیه زبان من توان از آنها در قبال تمام آرزوها و تمام لحظه به لحظه بی پدر بودن سخن گفت؟

من این بغض را می فهمم و با تمام وجود این کتاب را تقدیم می کنم به:

همه مادران چشم انتظار، تمام همسران شهدا با هزاران آرزو و تمام دختران شهدا با دواهای پر بغض و تمام پسران شهدا که چه زود مرد خانه می شوند...

محدثه قبادی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	مقدمه
۱۵	فضیلت اول : تواضع
۴۹	فضیلت دوم : اخلاص
۶۳	فضیلت سوم : رعایت حقوق بیت المال
۸۹	فضیلت چهارم : خوددوری
۱۰۰	فضیلت پنجم : رافع بری
۱۰۷	فضیلت ششم : دستگیری از مستمندان
۱۳۳	فضیلت هفتم : خوش خلقی
۱۴۴	فضیلت هشتم : عشق به اهل بیت
۱۶۱	فضیلت نهم : ساده زیستی
۱۸۵	فضیلت دهم : خدمتگزار مردم بودن
۱۹۴	فضیلت یازدهم : همت و تلاش
۲۱۰	فضیلت دوازدهم : نظم و انضباط در کارها
۲۱۷	فضیلت سیزدهم : نماز اول وقت
۲۳۳	فضیلت چهاردهم : رنفت اسلامی
۲۴۶	سخن پایانی

مقدمه

هدف از جمع آوری این مجموعه، احساس دینی بود که نسبت به این انسانهای بزرگ داشتیم. انسانهایی که ایمان، انسانیت، شرافت و آزادیگی مان را مدیونشان هستیم.

رادمرا نی که سینه هایشان را سپر کردند تا چگونه مرد بودن را به ما بیاموزند و طعم شیرین اسلام را به ما بچشانند. این مرز و بوم روزگاری نه چندان دور رد پای شهادتی، حکایت شده روی سینه، دارد که لرزه بر اندام هر بیگانه و متجاوز می انداخت.

این وطن، خاطره سینه شدگانی چون ستارهای همیشگی ها و صیادها را در دلش جای داده، تا به نسل جوان امروزی نشان دهد که هنوز از خودگذشتگی و ایثار در فرهنگ ما رنگ نباخته

است. راستی این رادمردان صاحب چه اکسیری بودند که هنوز بعد از سال ها حقانیت خون شان؛ پایمال نشده است؟

هویت آنها چه ماهیتی داشته که بعد از سالها، حافظ این مرز بوم مانده است؟ راستی آنها که بودند که هنوز قلبهای پاک با شنیدن رشاهتهایشان به رعشه در می آیند؟

ما مکات به شناخت آنهایم. ما مکلف به شناخت آرمانهای درخشان و یگانه ای هستیم که قدم های شان را استوار کرد تا مردانه جلوس ابر قدرتها ایستند. این وظیفه ایست الهی تا راهشان همیشه و در همه حال بر روی مان بدرخشد تا راهمان به بیراهه کشیده نشود.

باید هر روز و هر ساعت و هر دقیقه، برای خود تکرار بکنیم که آنها نمرده اند و زیر خاک مدفون نشده اند بلکه با روح متعالی شان از بالا نظاره گر ما هستند تا ببینند کودکان دیروزی که به خاطرشان سپر کرده اند و تن به خاک داده اند، امروز چگونه مردانی شده اند و دختر بچه گان نازپروده دیروز، چگونه زنانی شده اند ...

ما اعتقاد داریم که آنها با دلهای نگران به همراهِ دردهایمان می گریند و با شادیهایمان، شاد می شوند. آنها با حضور درخشانان در

طول عمرشان، حجت را بر ما تمام کرده اند و الگوی چگونه زیستن و چگونه نگریستن را به ما نمایانند.

وای به حال ماجوانهای امروزی که انتظارشان را برآورده نکنیم و راه سعادت را با خونشان نشانه گذاری کردند، گم کنیم و با سر به وایی، سر از ناکجا آباد در آوریم. آنها وظیفه انسانی شان را انجام داده اند به دیدار معبود، شتافتند و در این بین مسئولیت های سزاین شاخت و ادامه راه شان را به نسل جدید سپردند و حالا نوبت ما که در این پیروزی است تا به آنها ثابت کنیم مرام مردانگی شان را ادامه خواهیم داد و شرافتشان را لگد مال نخواهیم کرد.

اگر در این دنیای مانفست، بصیرت نامه هایشان را توتیای وجود نکنیم برای آیندگانمان مصیبت خواهیم بود و نه بصیرت...

برای ایستادگی نباید فراموش کنیم که کجا بوده ایم و اکنون کجاییم و به کجا خواهیم رفت. شاید راه شان را به درستی پیمودند و در انتهای راه، در پیشگاه پرستارشان روزی می خورند. این ما هستیم که باید بینیم، کجا ایستاده ایم، آیا روبرویمان پرتگاهی وحشتناک است یا بهشتی رویایی!...

در خاطره ماندن امیرانی این چنین دلاور و خدایی در دلهایمان، مسئولیت مان را بس سنگین و حجتها را بر ما تمام کرده است. اگر

خاکِ راهشان را توتیای وجودمان نکنیم در پیشگاه تاریخ پاسخگو خواهیم بود. اگر با تمام وجود در راهشان که به آسمان سعادت رهنمودمان می کند، قدم نگذاریم، خود ضرر کرده ایم. باید راهی را که به ملکوت، برای مان ترسیم کردند تا به انتها بپیماییم و این هم میسر نمی شود مگر اینکه بدانیم چگونه زیسته اند، چگونه کار کرده اند و چگونه شهید شده اند و این سوال های بزرگ و حیاتی مهم ترین هدف مان برای شکل گیری این مجموعه بوده است.

دغدغه چگونگی زیستن در امتداد راه این بزرگ مردان...

باید برای خودمان روشن کنیم که مردان بزرگ، هنوز در دلها زنده اند و راهشان ادامه دارد.

باکری ها، ستاری ها، کاظمی ها، ... نهاده اند آنها در قلب تک تک ماها زنده اند و از عالم ملکوت، زمین را ارزیابی می کنند. باید مانند باکری زیست تا او را خوشحال کرد. مانند ستاری، سرسختانه کار کرد تا لیخند را به لبش نشاند. باید کاظمی بود تا وجودش را هر لحظه و هر جا در قلبمان لمس کنیم. مانند آنها بودن دینی است که تاریخ به گردن ما نهاده است. نباید از یاد ببریم که در سرزمینی قدم می گذاریم که زمانی بزرگان بی ادعایی روی آن قدم نهاده اند. حضور متعالی شان در این مرز و بوم

، مسئولیتی الهی ، برشانه های مان نهاده که نشانه ای جز توفیق الهی نمی تواند باشد.

به این امید که این کار کوچک ، جهت شناساندن بزرگان این مرز بوم ادامه دار بوده تا جوانانمان، بدانند خود و آیندگان شان برای همیشه مدیون آنها خواهند بود .

بی هیچ زنده گویی باید اقرار کرد که آنها منحصر به فرد ترین انسانهای روی کره خاکی بعد از دوران پیامبران و امامان، می باشند . آنها همراه جانی برافراشتند که حکومتی ستم شاهی با رنگ طلاغوتی و فساد به ریاست دانی تاریخ فرستاد و نظامی الهی و اسلامی جایگزین آن نمیشد . از لایه که همه ابر قدرت های شرق و غرب را بایکوت کرد و همه مدت از پیش تعیین شده آنان را در هم پیچید .

رزمندگان ما برای دفاع از چنین انقلاب و دینی بپا خواستند و تا آخر ایستادند تا عزیزترین و با ارزش ترین تاریخ شان که همان جانشان بود در این راه اهدا کنند . برای این ادعای کم که خاص ترین انسان ها بوده اند که برای هدفی می جنگیده اند که رنگ ریا داشت و نه رنگ قدرت ، نه انگیزه پول در میان بود و نه پست و مقام...

شهیدان در تاریخی ترین دوران این کشور ،نقش ایثارگری شان را به خوبی بازی کردند ،ایثارگرانی که حتی از اهدا جان و مال کوتاهی نکردند . عزیزترین چیزها در مقابل هدفی که برگزیده بودند، ارزشی نداشت .این درس بزرگی است که باید از آنها بیاموزیم و هر روز برای خود تکرار کنیم .

جنگ های جهانی اول و دوم و جنگ های قبل از آن ،مملو از انسان هایی است که برای هدفی جنگیده اند و سینه سپر کردند و جان دادند . هدف هایی چون خاک ،وطن ، قدرت ،پول و هزاران هزار رنگ و مانی که اهمیت مادی و این جهانی دارد .میلونها انسان جانشان را برای خواست های به خطر انداختند که بهره ای از معنویت ، همراهی شان نکرد

اما شهدای ما به عشق سلام ،به شق خوبی ها ،به عشق برابری ها و به نام همه آنچه حق و عدالت اسلام خواهانش بود به پا خواستند و برای پروردگارشان چه قهرمانی غریزی شده اند ؟

جانسان را ارزانی داشتند تا احسن الخالقین شوند و با خلق ایثار و از خود گذشتگی ، احسن المخلوقین شدند برای خدا ای که خداوند داده بود .

همه دیر یا زود باید از این دیوار مرگ عبور کنیم و جهان بعد از مرگ و اتفاقات بعد از آن را به نظاره بنشینیم و خوش به سعادت آنانی که راه را شناختند با ارزش ترین دارایی شان را هدیه کرده اند. و چه مشتاقانه و سربلندانه از این دیوار عبور کرده اند.

در این مجال اندک تنها می توانیم با نگاهی کوتاه به زندگی این عزیزان - چگونه زیستن را از آنها بیاموزیم -

تا بیاموزیم، همه چیز پول و اعتبار و ملک، نیست.

تا بیاموزیم برای هدای متعالی، باید همه چیزمان را فدا کنیم تا متعالی شویم.

تا بیاموزیم برای انسان بزرگ الهی نیست که تنها ماسک انسانی به صورت داشته باشیم.

تا بیاموزیم که مردان، مردانه می جنگند و تمام آن ناشیانه به سوی نا کجا آباد گمراهی فرار می کنند، زندگی، همه هیچ وقت مردان بزرگ را اقناع نکرده تا در کارزار عمل، چپانده ر سوار نمیور، زندگی شان را نجات دهند.

در این مجموعه سعی شده است تا به نوعی این عزیزان را بازشناسیم، به اینکه بدانیم که چه کسی بوده اند و چه شخصیتی

داشته اند تا لایق چنین مقامی گردیده اند. همیشه جامعه جوان از نداشتن الگو و مرشد نالیده و گناه بی اخلاقی هایش را گردن مسئولین انداخته است. ما قصد داریم با تبیین خصایص این عزیزان که ریشه در قرآن مجید و احادیث دارد، راه را به جوان امروز نشان دهیم و اینکه برای ادامه راه چگونه زیستنی را برنیزیند. در مراکز علمی و آکادمیک همیشه تصویری رویایی و غیر قابل لمس از شهید و شهادت در ذهن می پروراندند. این مجموعه قصد دارد تا بیان واقعیات اخلاقی این عزیزان، راه را از بیراهه نشان دهد. در این مجموعه، ما تعدادی از خصایص نیکو و پسندیده را در چهار فصل انتخاب کردیم و به تبیین آن پرداخته ایم. فصل های این کتاب عبارتند از: تواضع، اخلاص، رعایت حقوق بیت المال، خجسته باری، واقع بینی، دستگیری از مستمندان، خوش خلقی، عشق به اهل بیت، ساده زیستی، خدمتگزار مردم بودن، مرد عمل، نماز اول وقت، نظم و انضباط در کارها، رثفت اسلامی، هدیه و تاس مضاعف

به این امید که بتوانیم با نشانه گرفتن این خصایص در شهدای این مرزو بوم، راه درست زیستن را به جوانان نشانیم...